

University Living and Prayer (Case Study: People above 18 in Gorgan)

Mohammad Javad Mohammadi Parsa

Ph.D., Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar,
Iran. mparsa786@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review university living and prayer among people above 18 in Gorgan. Using a survey method, sampling was done from among academic (194 members) and nonacademic (168 members) candidates. The results of Mann-Whitney test ($\alpha=0.05$) showed that there is not a significant difference between academic and nonacademic people in terms of commitment to obligatory prayers. However, religiosity of those at universities has become an individualistic trait so their inclination to public prayers is less. The results of Kruskal-Wallis test ($\alpha=0.05$) also showed that there is no significant difference between students and graduates from different university majors (humanities, basic science, and technical-engineering) in terms of their commitment to obligatory prayers. Between aspects of 2 important variables of socialization (university living and religious-family education), 2 aspects of “religiosity in the first semester” and “religiosity of university friends and companions” as well as “the importance of religiosity for brothers and sisters” has more positively strong relation with commitment to prayers and inclination to public prayers among academics.

Keywords: Public Prayer, University, Religious Education, University Living, Gorgan, Religiosity.

Received: 2023/06/30; **Received in revised form:** 2023/07/20; **Accepted:** 2023/07/25; **Published online:** 2023/07/26

How To Cite: Mohammadi Parsa, M.J. (2023). University Living and Prayer (Case Study: People above 18 in Gorgan). *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(3), 29-46.

<https://doi.org/10.22034/riet.2023.15031.1204>

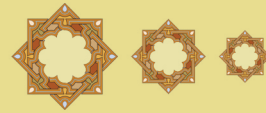
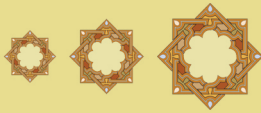
Publisher: Farhangian university

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research





زیست دانشگاهی و نماز

(مورد مطالعه: افراد بالای هجده سال شهر گرگان)

محمدجواد محمدی پارسا

دکتری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
Mparsa786@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی زیست دانشگاهی و نماز در افراد بالای هجده سال شهر گرگان بود. با روش پیمایشی از میان دو گروه دانشگاهیان (۱۹۴ نفر) و غیردانشگاهیان (۱۶۸ نفر)، نمونه‌گیری انجام شد. نتایج آزمون یومن-ویتنی (در سطح آلفا = ۰/۰۵) نشان داد که میان پایبندی به نمازهای واجب، بین دانشگاهیان و غیردانشگاهیان تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی دینداری دانشگاهیان فردی‌تر شده و اقبال آنها به نماز جماعت کمتر است. آزمون کروسکال-والیس (در سطح آلفا = ۰/۰۵) هم نشان داد که تفاوت معناداری بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی (علوم انسانی، علوم طبیعی و فنی و مهندسی) به لحاظ پایبندی به نمازهای واجب و استقبال از نماز جماعت وجود ندارد. از میان ابعاد دو متغیر مهم جامعه‌پذیری (زیست دانشگاهی و تربیت مذهبی خانوادگی)، دو بُعد «دینداری در ترم اول» و «دینداری دوستان و هم‌نشینیان دانشگاهی» و بُعد «اهمیت دینداری نزد خواهران و برادران»، همبستگی مثبت قوی‌تری با متغیر پایبندی به نماز و اقبال به نماز جماعت در دانشگاهیان نشان دادند.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، دانشگاه، تربیت دینی، زیست دانشگاهی، شهر گرگان، دینداری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴
استاد به این مقاله: محمدی پارسا، محمدجواد (۱۴۰۲). زیست دانشگاهی و نماز (مورد مطالعه: افراد بالای هجده سال شهر گرگان). پژوهش در

آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۳)، ص ۲۹-۴۶. 1204.15031.12034/riet.2023

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



۱. مقدمه

جامعه‌شناس بریتانیایی، آنتونی گیدنز^۱ معتقد است: «وظیفه جامعه‌شناسی، یافتن ماهیت جهان نوظهور فعلی است» (کسل، ۱۳۸۳، ص ۳۶). جهانی نوظهور با بنیان‌های متفاوت مادی و معنوی نسبت به دوره تاریخی پیش از خود یعنی قرون وسطی، که در آن سنت‌گرایی فرهنگ، مسلط بر زندگی انسان‌ها بود. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل معرفت‌شناختی^۲، تمایز دو دوره تاریخی قرون وسطی (قرن پنجم تا پانزدهم میلادی) و دوره مدرن (از قرن هجدهم به بعد)^۳، هژمونی نهاد علم (خصوصاً علوم تجربی)^۴ و کنار زدن سلطه تمام عیار دین (در قامت کلیسای مسیحی) بر جامعه غربی است. این تغییر وسیع و عمیق، به غرب منحصر نشد و به تدریج تمام دنیا را تحت تأثیر قرار داد. «علم‌گرایی»^۵ اصالت را به انسان و دستاوردهای تجربی و حسّی‌اش داد و به او وعده می‌داد که می‌تواند با همراهی در این کاروان به سرمنزل مقصود و خوشبختی برسد. نهاد علم، قدرت همه‌جانبه‌ای یافت و انتخاب‌های فردی زیادی پیش روی افراد گذاشت. نوع و میزان دینداری که آن را به وسیله مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتارهای فردی و اجتماعی در رابطه با دین تعریف کرده‌اند؛ دارای جزء لاینفک بسیار مهمی است که ایمان به غیب و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی خداوند (حتی در مواقعی که علت و حکمت وظیفه شرعی بر متشرع، معلوم نباشد) است و به وضوح با هنجارهای بنیادین عالم علوم تجربی مدرن (مثل کنجکاوی مبتنی بر عقل، بی‌طرفی عاطفی، دوری از تعصب و کشف حقایق هستی با روش تجربی و...) در تضاد است. چراکه علم نه به وسیله انباشت استقرایی شواهد و مدارک، بلکه به اصل روش‌شناختی «شک» وابسته است. رابطه ضروری مدرنیته و شک، ریشه مسئله‌ای است که نه تنها مایه پریشانی فلاسفه می‌باشد، بلکه مایه دردسرهای وجودی افراد عادی نیز هست (کسل، ۱۳۸۳، ص ۴۱۲). این مسئله به قدری مهم بوده است که بعضی فلاسفه، سرنوشت آینده تاریخی انسان‌ها را گره خورده به آن می‌دانند. «کافی است در مورد چستی دین و علم از نظر انسان‌ها به دقت بیان‌دیشیم تا بدون اغراق به این نتیجه برسیم که سیر آینده تاریخ، به تصمیم این نسل در مورد رابطه بین علم و دین بستگی دارد» (وایتهد^۶، ۱۹۴۸م، ص ۱۸).

1. Anthony Giddens

2. Epistemological

4. Science

5. Scientism

6. Whitehead

۳. از قرون ۱۵ تا ۱۸ را دوره گذار یا عصر روشنگری می‌نامند.

دانشمندان علوم اجتماعی بیش از دو قرن بر این مفروضه تأکید داشتند که پیشرفت‌های علمی در سطح جامعه و افزایش سواد، به ویژه تحصیلات عالی در سطح فردی، منجر به افول و زوال دین و دینداری خواهد شد و از میان تمامی عوامل تأثیرگذار بر این افول و زوال، همواره این «علم» بوده است که مرگبارترین دلالت‌ها را برای ادیان در برداشته و به عنوان قاتل دین شناخته شده است (استارک^۱ و فینک^۲، ۲۰۰۰، ص ۶۱، به نقل از: طالبان، ۱۳۹۹). به همین دلیل «دانشگاه» به مثابه اردوگاه اصلی علم جدید که نهاد مسئول در تولید و توزیع دانش علمی و همچنین گسترش جهان‌بینی علمی در جامعه شناسایی شده است؛ که عامل اصلی سکولاریزاسیون در سطح فردی، قتلگاهی برای ایمان مذهبی دانشجویان، بستری برای رشد و پرورش ارتداد و تحویل فارغ‌التحصیلانی با منش کاملاً سکولار به جامعه قلمداد می‌شود (کارپنتر^۳، ۱۹۹۸؛ ویلسون^۴، ۲۰۰۰، به نقل از: طالبان، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

از کنت^۵ (۱۸۳۰) گرفته تا دوبلاره^۶ (۲۰۰۴) و همه طرفداران گفتمان عرفی‌شدن، اعتقاد راسخ داشتند که تحصیل علم به‌خصوص در دانشگاه باعث اضمحلال دینداری و خرافات وابسته به آن می‌شود (همان). بنابراین، کارکرد دین‌زدای دانشگاه یکی از مفروضاتی است که آن را به عنوان «قاتل ایمان» در افواه عمومی (بیشتر در غرب) و متون تخصصی مشهور ساخته است.

از سوی دیگر، نماز به عنوان یکی از مهم‌ترین فروع دین اسلام شناخته می‌شود. قرآن کریم در موارد متعدد با عناوینی نظیر «صلاه» و «ذکر» از نماز یاد کرده و مسلمین را به اقامه آن دعوت نموده است. معصومین(ع) هم در فرمایشات متعدد به اهمیت این فریضه الهی اشاره نموده‌اند. از این‌رو، پایبندی به نماز را به عنوان «بهترین سنجه منفرد» سنجش التزام به مناسک دین در ایران دانسته‌اند (طالبان، ۱۳۹۹، ص ۲۵). به این معنی که اگر محقق فقط با یک مؤلفه، درصدد سنجش متغیر التزام مناسکی افراد دیندار است؛ می‌تواند از متغیر «پایبندی به نماز»، برای رسیدن به هدف پژوهشی خود بهره بگیرد. چراکه نماز، عبادتی همه‌زمانی و همه‌مکانی است که در هر شرایطی باید به جای آورده شود. بنابراین، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را صرفاً عبادتی فردی در دقایقی کوتاه در روز دانست. چنین عبادتی، کل سبک زندگی انسان

-
1. R. Stark
 2. F. Finke
 3. J.A. Carpenter
 4. J.F. Wilson
 5. A.Comte
 6. Dobbelaere

دیندار (احکام طهارت، احکام خرید و فروش، تملک، لباس پوشیدن و...) را تحت پوشش قرار می‌دهد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که شکل‌گیری دینداری و جوّ مذهبی در خانواده و زیست‌دانشگاهی، هرکدام چه تأثیری بر اقبال به نماز و نماز جماعت دارند؛ تا از این رهگذر به نقش هرکدام از این زیست‌سپهرها بیشتر توجه شود و برنامه‌هایی جهت ارتقاء وضعیت کنونی و حرکت به سمت وضعیت مطلوب‌تر به دست آید.

۲. پیشینه تحقیق

فیض‌اللهی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با روش کمی در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، نشان دادند که از تعداد ۱۱۶ دانشجوی دختر و پسر شرکت‌کننده در پژوهش، ۵۴/۵۰ درصد دختران فریضه نماز را به‌جا آورده و ۴۵/۵۰ درصد فریضه نماز را به‌جا نمی‌آوردند و از بین پسران، ۳۶ درصد این عمل مذهبی را انجام داده و ۶۴ درصد انجام نمی‌دادند. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین سبک‌های هویتی دانشجویانی که فریضه نماز را به‌جا می‌آورند با دانشجویانی که این فریضه را به‌جا نمی‌آورند، تفاوت معنادار وجود دارد؛ به این مفهوم که بیشترین میانگین سبک هویتی دانشجویان نمازخوان مربوط به سبک هویتی اطلاعاتی و سبک هویتی هنجاری، و بیشترین میانگین سبک هویتی در دانشجویان غیر نمازخوان مربوط به سبک هویتی اجتنابی/ سردرگم است.

شجاعی (۱۳۹۷)، در پژوهشی در دانشگاه محقق اردبیلی و بین دانشجویان ۱۸ تا ۲۵ سال در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، نشان داد که التزام و اهتمام جدی برای انجام نماز در بین جامعه آماری مورد نظر، از میزان بالایی برخوردار است (میانگین نمره ۳۵ از ۴۱). همچنین بین شادکامی در زندگی و تمام مؤلفه‌های پایبندی و توجه به نماز (اعتقاد به اثربخشی فردی و اجتماعی نماز، توجه به مستحبات، التزام جدی به نماز و مراقبت و حضور قلب در نماز) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که هرچه میزان پایبندی به نماز در میان دانشجویان بیشتر باشد؛ میزان شادکامی آنان نیز بیشتر است.

صفا و آقاجانی (۱۳۹۹)، در تحقیقی کمی بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان، در مورد التزام عملی به نمازهای واجب دانشجویان، نشان دادند جامعه آماری مورد مطالعه که از نگرش و التزام عملی بالایی نسبت به نماز برخوردار بودند که بیشترین نمره به التزام و اهتمام جدی به نماز و کم‌ترین نمره به انجام مستحبات نماز تعلق داشته است. به‌طور کلی میانگین نمره نگرش و التزام عملی به نماز در میان دانشجویان، ۱۵۸ از ۲۰۰ اعلام شده است. همچنین مشخص شد که بین اعتیاد به اینترنت و التزام عملی به نماز رابطه معکوس وجود دارد.

طالبان (۱۳۹۹)، در مقایسه بین دانشگاهیان و غیردانشگاهیان سراسر کشور اعلام نموده است، که در میان دانشگاهیان، کسانی که دائم نماز می‌خوانند، ۶۱ درصد هستند که این متغیر در میان غیردانشگاهیان، ۶۳ درصد به دست آمد. از طرفی، افرادی که اصلاً نماز نمی‌خوانند در میان دانشجویان ۹ درصد و در میان غیردانشگاهیان ۶ درصد گزارش شده‌اند. درصد تعداد کسانی که دائماً نماز می‌خوانند در مقایسه بین رشته‌های دانشگاهی به ترتیب در رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی، پزشکی و علوم انسانی و اجتماعی، ۴۶، ۴۲، ۵۰ و ۴۲ درصد و کسانی که اصلاً نماز نمی‌خوانند، ۱۵، ۲۱، ۱۵ و ۱۹ درصد، گزارش شده است. در نهایت بیان می‌دارد که اکثر ادبیات مربوط به ارتباط تحصیلات دانشگاهی با کاهش دینداری دانشجویان از حمایت تجربی لازم برخوردار نیست. به علاوه، تحلیل داده‌های مربوط به دینداری مسلمانان ایرانی نشان داد که تفاوت دینداری افراد، بیشتر تحت تأثیر تربیت خانوادگی آنان قرار دارد، نه تحصیل در دانشگاه.

در تحقیقی که توسط اقبالی و عظیمی (۱۴۰۱) در میان دانشجویان دختر متأهل دانشگاه فرهنگیان تبریز انجام شد، نشان دادند که، التزام و اهتمام جدی برای انجام نماز در میان آنان، بالا است (میانگین برابر ۴۵). همچنین نتایج نشان داد که نگرش و التزام عملی به نماز با رضایت از زندگی همبستگی معنادار داشت. براساس نتایج رگرسیون نیز، نگرش و التزام عملی به نماز، پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی بود. در مورد تأثیر دانشگاه بر دینداری در خارج از کشور هم تحقیقات بسیاری انجام شده است که می‌توان مهم‌ترین آغاز آنها را تحقیقات جیمز لوبا^۱ دانست که طی آنها، روانشناسی به نام لوبا میزان اعتقادات دینی (اعتقاد به خداوند، معاد، حضور در کلیسا و...) را بین دو گروه مردم عادی و دانشمندان نخبه سنجید و اعتقادات دانشمندان را بسیار کم‌تر از عموم مردم اعلام نمود (لوبا، ۱۹۱۲، ۱۹۱۶، ۱۹۳۴).

داده‌های آماری سال ۲۰۰۰ میلادی در مورد تأثیر میزان تحصیلات بر دینداری، نشان می‌دهند که با افزایش تحصیلات اروپاییان، دینداری آنان کم‌تر شده است؛ ولی با توجه به اینکه میانگین تحصیلات جوانان امروز اروپا خیلی بالاتر از افراد پا به سن گذاشته است؛ باید پرسید که متغیر اصلی در این میان، سن است یا تحصیلات؟ محققان اعلام داشته‌اند که عامل تحصیلات در گذشته، یکی از علل مهم دوری از دینداری بوده؛ ولی اکنون عامل مهم، سن (تغییر نسل) است (برشون، ۱۳۹۵).

همچنین در تحقیقی در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۸ میلادی در آمریکا، و با تجزیه و تحلیل اطلاعات موج اول و سوم مطالعات ملی جوانان و مذهب، نشان داده شد که نمونه‌های موج اول ۳۲۹۰ نفر از

1. James Leuba (1868-1946)

نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۳ بود؛ سپس در موج سوم در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ تلاش شد با همان نفرات، که در آن موقع به سن ۱۸-۲۴ سال رسیده بودند، مجدداً (به تعداد ۳۲۸۲ نفر) مصاحبه انجام پذیرد. در این مطالعه به بررسی تأثیر تحصیل در دانشگاه (به مدت ۴ سال) و یا عدم ورود به دانشگاه (به عنوان متغیر مستقل) بر روی جوانان پرداخته شد و معلوم گردید که در تمامی مؤلفه‌های دینداری به عنوان متغیر وابسته (اعتقاد به خدای غیرشخص‌وار، اعتقاد به معجزه، شک در مورد مذهب، اعتقاد به تغییر دادن دیگران، پایبندی به عقاید مذهبی، اعتقاد به حقانیت یک دین خاص و جایگزینی معنویت به جای مذهب) امتیاز کسانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند، بیشتر از غیردانشگاهیان بود. محققان به این نتیجه رسیدند که تحصیلات دانشگاهی تأثیری بر میزان لیبرال‌تر شدن جوانان ندارد و متغیر مذهب بیشترین تأثیر را از «شبکه اجتماعی»^۱ (روابط با والدین، وضعیت زندگی، گروه همالان و جمع‌های مذهبی) و محیط زندگی بر افراد می‌پذیرد (مایرل و اوکر^۲، ۲۰۱۱).

نتایج تحقیق دیگری در آمریکا که هدف آن مقایسه دینداری بین افراد عادی (بالغین) و تحصیلکردگان دانشگاهی بود؛ نشان داد که در میزان استفاده از خدمات مذهبی^۳ (مراسم و مناسک مذهبی) بین افراد عادی و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دارندگان مدرک تحصیلات تکمیلی، تفاوتی وجود ندارد؛ ولی افراد معمولی بیش از دو گروه فوق‌الذکر به دعا و نماز اهتمام می‌ورزند. همچنین میزان اهمیت مذهب در زندگی و میزان تعهد مذهبی افراد عادی، در مقایسه با فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیشتر است. همین‌طور میزان اعتقاد قطعی به خداوند در میان فارغ‌التحصیلان، کم‌تر از افراد عادی گزارش شده است (مرکز پژوهش PEW، ۲۰۱۷).

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق، پژوهشی از نوع پیمایش با طرح مقطعی^۴ است. گروه آزمایش این طرح شامل کلیه افراد با سن بیش از هجده سال است که سابقه تحصیلات دانشگاهی دارند و گروه کنترل آن، افراد بالای هجده سال هستند که سابقه تحصیل دانشگاهی ندارند.

ابزار جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، پرسش‌نامه استاندارد سنجش دینداری گلاک و استارک^۵ بود که

1. Social Network
2. Damon Mayrl and Jeremy E Uecker
3. Religious Services
4. Cross-Sectional
5. Glock & Stark

از مجموعه گویه‌های آن دو گویه مربوط به نماز (نمازهای واجب خودم را به‌جا می‌آورم) و نماز جماعت (اگر کرونا نباشد در نماز جماعت شرکت می‌کنم)، از بعد مناسکی دینداری در این پژوهش آمده‌اند. همچنین پرسش‌نامه مربوط به ابعاد زیست دانشگاهی و جوّ مذهبی خانواده، هر دو محقق ساخته (به ترتیب با آلفای کرونباخ ۰/۱۹ و ۰/۷۴) هستند که دارای پایایی مناسب و به سبب تأیید اساتید دانشگاه، دارای روایی مطلوب ارزیابی شده‌اند. تمامی گویه‌ها (در متغیرهای نامبرده در بخش مفهوم‌شناسی) در قالب طیف لیکرت پنج پاسخی طراحی شده بودند. با استفاده از نرم‌افزار PASS 15، میزان نیاز به نمونه، به قرار زیر محاسبه شد:^۱

جدول ۱- تعداد نمونه‌های لازم برای محاسبه Spearman's rho

توان آزمون	آلفا	شبه‌سازی‌ها	H1	تعداد نمونه لازم (نفر)
۰/۸	۰/۰۵	۵۰۰	rho=۰.۲	۱۵۷

به این ترتیب ۱۶۸ نفر از افراد غیردانشگاهی و ۱۹۴ نفر از دانشگاهیان، مجموعاً ۳۶۲ نفر (کلیه افراد بالای هجده سال ساکن گرگان) نمونه‌های این تحقیق را تشکیل دادند که به شکل نمونه‌گیری سهمیه‌ای (متناسب با جمعیت شهری در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین) پراکنده در محلات مختلف شهر نمونه‌گیری شده است. داده‌های گردآوری شده توسط پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS 23 تجزیه و تحلیل شده که در دو بخش توصیفی و استنباطی گزارش شده‌اند.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. یافته‌های توصیفی

گرگان، پرجمعیت‌ترین شهر و مرکز استان گلستان است. مطابق با آخرین نتایج رسمی، جمعیت این شهر ۴۸۰۵۴۱ نفر بوده که ۲۵/۷ درصد جمعیت استان می‌باشد. نسبت جنسی در این شهرستان ۱۰۱/۲ درصد است. در شهر گرگان، ۲۶۶۸۷۵ نفر افراد بالای ۱۸ سال زندگی می‌کنند که از این تعداد، ۱۳۱۸۶۰ مرد بالای ۱۸ سال و ۱۳۵۰۱۵ زن بالای ۱۸ سال هستند. یعنی خلاف نسبت جنسی عمومی شهرستان، در افراد بالای ۱۸ سال شهرنشین، تعداد زنان اندکی کم‌تر از مردان می‌باشد.

۱. به دلیل قرار داشتن سطوح سنجش در سطح ترتیبی و استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک، مقایسه گروه‌ها به تعداد نمونه، چندان حساسیتی ندارند و این تعداد نمونه کاملاً پاسخگوی نیازهای آماری تحقیق هستند.

جدول ۲- توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی در نمونه

تعداد	میانگین سن	میانگین تحصیلات (سال)	میانگین تعداد فرزندان	جنسیت		وضعیت تاهل		
				مرد	زن	متاهل	مجرد	سایر
۱۹۴	۳۲	۱۶	۰/۸۲	۹۹	۹۵	۹۰	۱۰۲	۲
۱۶۸	۳۶,۵	۱۱	۱,۴	۸۳	۸۵	۴۶	۱۲۰	۲
۳۶۲	۳۴,۲	۱۳,۵	۱	۱۸۲	۱۸۰	۱۳۶	۱۲۲	۴

می‌توان فرضیه «دین‌زدایی دانشگاه» و مسیرهای علی آن را مشخص نمود و پیگیری کرد، چنین کارکردی مسیرهای مختلف دارد که می‌توان برخی از مهم‌ترین‌های آن را با تقسیم به دو حوزه معرفتی و اجتماعی، به این شرح بازگو نمود:

در حوزه معرفتی، «تعبد» به معنای ایمان به غیب و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی خداوند (حتی در مواقعی که علت و حکمت و وظیفه شرعی بر متشعخ، معلوم نباشد) از ضروریات دین است. در حالی که هنجارهای بنیادین عالم علوم تجربی دوران مدرن (مثل کنجکاوی مبتنی بر عقل، بی‌طرفی عاطفی، دوری از تعصب و کشف حقایق هستی با روش تجربی و بویژه اصل شکاکیت سازمان‌یافته) به‌وضوح در برابر آن قرار می‌گیرد. در تمامی وجوه دینداری (خصوصاً در حیطه تکالیف مذهبی مکلفان یا فقه) اصل تعبد و اطاعت بی‌چون و چرا ساری و جاری است؛ مثلاً در فقه شیعه معتقدان نمی‌پرسند چرا باید یک پنجم (نه کم‌تر و بیشتر) مازاد درآمد سالانه را به عنوان خمس بپردازیم؟ چرا از طلوع خورشید تا غروب آن باید یک ماه (نه کم‌تر و بیشتر) روزه بگیریم؟ و به همین ترتیب. جواب همه این سؤالات یک چیز است: اینها جزو تعبدیات دین است و چون و چرا بردار نیست. اما در عالم علم بر سر هر یافته علمی معرکه‌ای از آراء برپاست و چون و چرا کردن همواره با اصطلاحاتی نظیر «به نظر می‌رسد که...»، «احتمال دارد...»، «شاید درست‌تر آن باشد که بگوییم...» و مانند آن، جزء لاینفک هنجارهای علم محسوب می‌شود.

در حوزه اجتماعی، ورود افراد به فضای تعاملی جدید و استقلال نسبی آنها از خانواده می‌تواند عامل تأثیرگذار بر دینداری تلقی شود. در دوران دانشجویی افراد در شبکه‌های اجتماعی جدیدی وارد می‌شوند که بیشترین تعامل را با همالان و استادان دانشگاه خواهند داشت. از این حیث، تأثیرپذیری از این محیط جدید ممکن است باعث تغییر در دینداری افراد گردد. بنابر قول مشهور «هیچ‌کس نمی‌تواند خانواده‌اش را انتخاب کند، ولی دوستانش را خودش برمی‌گزیند». نکته مهم دیگر، فضای عمومی دانشگاه است که به سبب سرشت روادارانه و چندصدایی‌اش می‌تواند محملی برای نقد عقاید دینی فراهم آورد. تنوع افراد با خاستگاه‌های فکری و اجتماعی مختلف، نشریات دانشجویی با افکار گوناگون، مراسم‌ها و سخنرانی‌هایی

که تشکّل های دانشجویی برای نشر عقاید خود به پا می کنند و... زمینه اجتماعی متفاوتی را فراهم می سازد که عنصر انتخاب و اختیار را در مورد نوع و میزان دینداری، بیش از پیش برای دانشگاهیان (خصوصاً دانشجویان) فعال می نماید.

اگر مطابق با سازوکارهای علمی عنوان شده، می توان دین زدایی را به دانشگاه نسبت داد؛ کارکردهای افزایش دینداری آن را نیز نباید از نظر دور داشت. در بسیاری از رشته ها به موازات رشد و گسترش ادبیات علمی منبعث از غرب و فضای مدرن، متون دفاع از دین و مدعیات آن نیز گسترش یافته و در دسترس قرار دارد. همچنین وجود استادان متشّرع، به عنوان راهنماهایی برای کسب و نگه داشت عقاید دینی، عامل دیگریست که کارکرد دیندارتر نمودن دانشجویان را تسهیل می نماید. برای بسیاری از افرادی که در شبکه های اجتماعی غیردینی یا مخالف دین بوده اند؛ دانشگاه می تواند محل مناسبی برای انتخاب و بروز دینداریشان باشد. مثلاً کسانی که دارای خانواده هایی با نگاه نه چندان خوشبینانه به دین بوده اند (به عنوان مثال، کم تر اجازه پوشش اسلامی یا شرکت در مراسم مذهبی به آنها داده می شده است) در محیط دانشگاه با انتخاب و علاقه خود به این امور مبادرت می ورزند. بنابراین، متغیرهای اصلی تحقیق به دو دسته ابعاد متغیر تربیت مذهبی در خانواده (که در دانشگاهیان و غیر دانشگاهیان مشترک است) و ابعاد مربوط به دینداری در تجربه زیست دانشگاهی تقسیم می شوند.

جدول ۳- توصیف ابعاد متغیر تربیت مذهبی در خانواده (میانگین از ۵ نمره)

تربیت مذهبی در خانواده					ایجاب به نماز جماعت	پایبندی به نماز	
شکل گیری دینداری براساس علاقه و مطالعه	اهمیت دینداری نزد خواهران و برادران	سخت گیری خانواده در دینداری فرزند	اهمیت دینداری فرزند نزد پدر	اهمیت دینداری فرزند نزد مادر			
۳,۴	۳,۶	۳,۲	۴,۲۵	۴,۳	۲,۳	۳,۴	دانشگاهیان
۳,۶	۳,۶	۳,۲۵	۴,۴	۴,۵	۲,۸	۳,۶	غیردانشگاهیان
۳,۵	۳,۶	۳,۳	۴,۳	۴,۴	۲,۵	۳,۵	مجموع

جدول ۴- توصیف ابعاد متغیر زیست دانشگاهی (میانگین از ۵ نمره)

دینداری در ترم اول	دینداری دوستان دانشگاهی	دینداری استادان دانشگاه	مواجهه با فضای نقد دین در دانشگاه
۳,۶	۳,۳	۳,۴	۳,۳

جدول ۵: تعداد دانشگاهیان به تفکیک رشته/گروه های اصلی تحصیلی

علوم انسانی	علوم طبیعی	ریاضی و فنی
۶۷	۳۹	۷۵

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که پایبندی به نماز در هر دو گروه نسبتاً برابر است، ولی اقبال به نماز جماعت در غیردانشگاهیان بیشتر می‌باشد (که برای تصدیق در مورد شهر گرگان، باید مورد آزمون استنباطی قرار گیرد). همچنین بیانگر این امر است که اهمیت تربیت مذهبی در خانواده‌ها از نمره بالایی برخوردار گشته است، که نشان از اهتمام خانواده‌های گرگانی به تربیت مذهبی فرزندانشان دارد.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

برای آزمون فرض تفاوت بین دانشجویان و غیردانشگاهیان در میزان پایبندی به نماز از آزمون یو-من-ویتنی^۱ استفاده شد.

جدول ۳- تفاوت در پایبندی به نماز در دو گروه دانشجویان و غیردانشگاهیان

فرض صفر	آزمون	سطح معناداری	تصمیم
بین دانشجویان و غیردانشگاهیان در پایبندی به نماز تفاوت وجود ندارد.	یو-من-ویتنی برای دو نمونه مستقل	۰/۰۱	قبول فرض صفر

با توجه به داده‌های جدول شماره ۶ و سطح معناداری آزمون (۰/۰۱)، فرض صفر پذیرفته شده است و با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که بین دانشجویان و غیردانشگاهیان گرگانی در میزان پایبندی به نماز تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در شهر گرگان، تحصیل در دانشگاه تأثیری بر میزان پایبندی به نماز نداشته است. به منظور آزمون فرض تفاوت بین دانشجویان و غیردانشگاهیان در میزان اقبال به نماز جماعت هم از آزمون یو-من-ویتنی استفاده شد.

جدول ۴- تفاوت در اقبال به نماز جماعت در دو گروه دانشجویان و غیردانشگاهیان

فرض صفر	آزمون	سطح معناداری	تصمیم
بین دانشجویان و غیردانشگاهیان در اقبال به نماز جماعت تفاوت وجود ندارد.	یو-من-ویتنی برای دو نمونه مستقل	۰۰۱	رد فرض صفر

با توجه به آماره‌های جدول (۷) و سطح معناداری آزمون (۰۰۱)، فرض صفر رد شده است و با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که بین دانشجویان و غیردانشگاهیان در میزان اقبال به نماز جماعت تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در شهر گرگان، تحصیل در دانشگاه بر میزان پایبندی به نماز جماعت تأثیر داشته، و اقبال به نماز جماعت در میان غیردانشگاهیان بیشتر است. به هدف

آزمون فرضیه تفاوت بین رشته‌های تحصیلی در میزان پایبندی به نماز از آزمون کروسکال-والیس چند نمونه‌ای استفاده شد.

جدول ۵- تفاوت در پایبندی به نماز در بین رشته‌های تحصیلی دانشگاهیان

فرض صفر	آزمون	سطح معناداری	تصمیم
بین رشته‌های مختلف دانشگاهی در پایبندی به نماز تفاوتی وجود ندارد.	کروسکال-والیس چند نمونه‌ای	۰/۱۳	قبول فرض صفر

با عنایت به جدول (۸) و سطح معناداری آزمون (۰/۱۳)، فرض صفر پذیرفته شده است و با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که بین رشته‌های مختلف دانشگاهی در پایبندی به نماز تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در شهر گرگان، تحصیل در رشته‌های مختلف دانشگاهی (علوم انسانی، علوم طبیعی و ریاضی و فنی) تأثیری بر میزان پایبندی به نماز نداشته است. در ادامه و به هدف آزمون فرضیه تفاوت بین رشته‌های تحصیلی در میزان اقبال به نماز جماعت از آزمون کروسکال-والیس چند نمونه‌ای استفاده شد.

جدول ۶- تفاوت در پایبندی به نماز در بین رشته‌های تحصیلی دانشگاهیان

فرض صفر	آزمون	سطح معناداری	تصمیم
بین رشته‌های مختلف دانشگاهی در اقبال به نماز جماعت تفاوتی وجود ندارد.	کروسکال-والیس چند نمونه‌ای	۰/۶۷	قبول فرض صفر

با عنایت به جدول (۹) و سطح معناداری آزمون (۰/۶۷)، فرض صفر پذیرفته شده است و با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که بین رشته‌های مختلف دانشگاهی در اقبال به نماز جماعت تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در شهر گرگان، تحصیل در رشته‌های مختلف دانشگاهی (علوم انسانی، علوم طبیعی و ریاضی و فنی) تأثیری بر میزان اقبال به نماز جماعت نداشته است.

جدول ۱۰- ضرایب همبستگی اسپیرمن بین پایبندی به نماز و ابعاد مذهبی زیست دانشگاهی

پایبندی به نماز در دانشگاهیان	ضریب همبستگی اسپیرمن	دینداری در ترم اول	دینداری دوستان دانشگاهی	دینداری استادان دانشگاه	مواجهه با فضای نقد دین در دانشگاه
	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۳۵	
	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۳۵	

با توجه به سطوح معناداری آزمون فوق (۰/۰۰) و آماره‌های جدول (۱۰)، با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که در شهر گرگان، تمامی ابعاد مذهبی متغیر زیست دانشگاهی با پایبندی به نماز دانشگاهیان

همبستگی مثبت و معنادار دارند.

جدول ۱۱ - مقایسه ضرایب همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های تربیت مذهبی خانوادگی و پایبندی به نماز بین دانشگاهیان و غیردانشگاهیان

شکل‌گیری دینداری بر اساس علاقه و مطالعه	اهمیت دینداری نزد خواهران و برادران	سخت‌گیری خانواده در دینداری فرزند	اهمیت دینداری فرزند نزد پدر	اهمیت دینداری فرزند نزد مادر	ضریب همبستگی	دانشگاهیان	پایبندی به نماز
.۳	.۵	.۰۷	.۴	.۴	ضریب همبستگی		
۰,۰۰	۰,۰۰	.۳	۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری		
.۲	.۴	.۱	.۳	.۳	ضریب همبستگی	غیردانشگاهیان	
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری		

با توجه به سطوح معناداری در ضرایب همبستگی اسپیرمن (۰/۰۰) که در جدول شماره (۱۱) نشان داده شده است، با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که در شهر گرگان، متغیرهای یادشده فوق، به غیر از متغیر «سخت‌گیری خانواده در دینداری فرزندان» که سطح معناداری برابر با ۰/۳ و ۰/۰۶ در دو گروه دارند؛ در هر دو گروه، بدون همبستگی با پایبندی به نماز اعلام شده؛ همه ابعاد متغیر تربیت مذهبی خانوادگی با پایبندی به نماز دارای همبستگی مثبت بوده‌اند. نتایج آزمون‌های آماری نشان داده‌اند که تحصیل در دانشگاه و تجربه زیست‌دانشگاهی تأثیری بر پایبندی به نماز ندارد؛ ولی اقبال به نماز جماعت در میان غیر دانشگاهیان بیشتر از دانشگاهیان است. بنابراین، در ادامه به بررسی متغیرهایی پرداخته شده است که نشان‌دهنده علت این تفاوت در دو گروه یاد شده هستند. به منظور شناسایی متغیرهای مؤثر بر اقبال به نماز جماعت ضرایب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای یاد شده در دو گروه دانشگاهیان و غیردانشگاهیان، محاسبه شده است.

جدول ۱۲ - مقایسه ضرایب همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های تربیت مذهبی خانوادگی و اقبال به نماز جماعت بین دانشگاهیان و غیردانشگاهیان

شکل‌گیری دینداری بر اساس علاقه و مطالعه	اهمیت دینداری نزد خواهران و برادران	سخت‌گیری خانواده در دینداری فرزند	اهمیت دینداری فرزند نزد پدر	اهمیت دینداری فرزند نزد مادر	ضریب همبستگی	دانشگاهیان	اقبال به نماز جماعت
.۳	.۴	.۰۶	.۴	.۴	ضریب همبستگی		
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۳۵	۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری		
.۳	.۵	.۳	.۴	.۴	ضریب همبستگی	غیردانشگاهیان	
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	سطح معناداری		

همانطور که در جدول شماره (۱۲) مشاهده می‌شود، با عنایت به سطوح معناداری در ضرایب

همبستگی اسپیرمن (۰/۰۰)، با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که در شهر گرگان، متغیرهای یادشده فوق، به غیر از متغیر «سخت‌گیری خانواده در دینداری فرزندان» که سطح معناداری برابر با ۰/۳۵ دارد؛ در گروه دانشگاهیان، بدون همبستگی بر اقبال به نماز جماعت اعلام شده؛ همه ابعاد متغیر تربیت مذهبی خانوادگی با شرکت در نماز جماعت دارای همبستگی مثبت بوده‌اند.

جدول ۱۳ - ضرایب همبستگی اسپیرمن بین اقبال به نماز جماعت و ابعاد مذهبی زیست دانشگاهی

دینداری در ترم اول	دینداری دوستان دانشگاهی	دینداری استادان دانشگاه	مواجهه با فضای نقد دین در دانشگاه	ضریب همبستگی اسپیرمن	اقبال به نماز جماعت در دانشگاهیان
۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۴	سطح معناداری (دو دنباله)	
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰		

با توجه به سطح معناداری آزمون فوق (۰/۰۰) که در جدول شماره (۱۳) نمایش داده شده است، با ۹۵ درصد اطمینان بیان می‌شود که تمامی ابعاد مذهبی متغیر زیست دانشگاهی با اقبال به نماز جماعت همبستگی مثبت دارند؛ که در میان آنها دینداری در ترم اول (منبعث از فضای خانواده) بیشترین تأثیر را بر اقبال به نماز جماعت در میان دانشگاهیان در طول زندگی داشته است. نکته مهم این آزمون همبستگی مثبت و معنادار متغیر مواجهه با فضای نقد دین در دانشگاه‌ها بوده که تأثیر مثبتی بر اقبال به نماز جماعت در دانشگاهیان داشته است.

اطلاعات این پژوهش نشان دادند که دینداری دانشگاهیان به سبب عوامل مذکور «فردی‌تر» شده و آنان را از نماز جماعت - هرچند بسیار اندک - دورتر نموده است. آنچه به عنوان «فردیت»^۱ در گستره انتخاب‌های پرشمار زندگی روزمره عنوان می‌شود؛ فرصتی پیش روی افراد در جوامع مختلف قرار داده شده است - تا علی‌رغم آنچه مراجع اقتدار از آنها می‌خواهند - انتخاب کنند؛ می‌خواهند چه کسی باشند و چگونه زندگی کنند؟ و به قول گیدنز^۲ «در متن نظمی مابعد سنتی با برنامه‌ای تأملی به سازماندهی ضمیر نفس خویش پردازند» (گیدنز، ۱۹۹۱، ص ۳۳).

شاید بتوان فردی‌تر شدن دین در چارچوب انتخاب‌های عقلانی را - به‌شکل غیر مستقیم - از دستاوردهای علوم مدرن دانست. در حالی که علوم مدرن سعی می‌کنند با به دست آوردن شناخت مستقل و دائماً نو شونده از جهان آفاقی، زمینه تسلط و انقیاد بر طبیعت را برای انسان‌ها فراهم کنند؛ شاید این تفکر

1. Individualization

2. A. Giddens

را هم گسترش می‌دهند که شناخت مستقل و منحصر به فرد انسان از خودش، او را از مرجعیت بیرونی بی‌نیاز می‌سازد. به دیگر سخن، اگر عقل مدرن (و بریده از سنت) توانسته است دنیای آفاقی را بشناسد و آن را از آن خود کند؛ چرا نتواند همین معامله را با دنیای انفسی داشته باشد؟

گرچه کم‌تر شدن شرکت دانشگاهیان در نماز جماعت را به تنهایی نمی‌توان شاخص معتبری برای فردی‌تر شدن دینداری نزد آنان ارزیابی کرد؛ ولی اهمیت قضیه به حدی است که ناگزیر، توجه بیشتر و تأمل عمیق‌تری می‌طلبد؛ چراکه در دوره متأخر مدرنیته، آنچه در جامعه رو به افزایش است؛ کوچ اجتماعی بسیاری از افراد از مذاهب نهادینه شده و سنتی به سمت «معنویت عصرجدید»^۱، «معنویت‌های جایگزین»^۲ یا «معنویت خودآموز»^۳ است که طی آن، مردم علائق معنوی خود را خارج از چارچوب مذهبی رایج پیگیری می‌کنند. باورمندان به چنین معنویتی، هویت‌های دینی درهم آمیخته‌ای را به نمایش می‌گذارند که بیشتر فرآورده تجارب فردی است. در چنین شرایطی است که باورها، بُعدی نسبی پیدا می‌کنند و راه رسوخ باورهای دیگران را نمی‌بندند. در چنین وضع و حالی، ملاک حقانیت یک باور تجربه شخصی و «رهاورد سودمند» آن برای فرد است.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که بین دانشگاهیان و غیردانشگاهیان در پایبندی به نمازهای واجب، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که زیست‌دانشگاهی و تحصیل در علوم تجربی موجب، رویگردانی افراد از نماز نشده است. ولی زیست‌دانشگاهی دینداری را در نزد افراد فردی‌تر کرده و اقبال آنها را به نماز جماعت کم‌تر نموده است. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی به لحاظ پایبندی به نمازهای واجب و استقبال از نماز جماعت وجود ندارد.

از میان ابعاد، دو متغیر مهم جامعه‌پذیری (زیست در دانشگاه و تربیت مذهبی خانوادگی)، دو بُعد دینداری در ترم اول و دینداری دوستان و هم‌نشینان دانشگاهی در دانشگاه و بُعد اهمیت دینداری نزد خواهران و برادران، همبستگی بیشتری با متغیر پایبندی به نماز و اقبال به نماز جماعت در دانشگاهیان نشان داد که هر سه را می‌توان به نوعی منبعث از فضای خانواده دانست. همچنین سخت‌گیری در تربیت

1. New Age Spirituality
2. Alternative Spirituality
3. DIY (do-it-yourself) Spirituality

دینی فرزندان آنان را نمازخوان تر نکرده است. این نتایج، دلالت‌های بسیار مهمی به همراه دارد؛ اول اینکه جامعه‌پذیری دینی افراد، توسط همالان آنان (گروه‌های صمیمی همنشین که نسبتاً سن و سال مشابه دارند) بسیار موفق‌تر و مؤثرتر از سایر روش‌ها خواهد بود. بسیار پیش آمده و می‌آید که فرد -حتی- از پدر و مادر خویش در مورد نماز خواندن حرف‌شنوی ندارد؛ ولی همان حرف و نصیحت را از فرد هم سن و سال خود می‌پذیرد و به‌کار می‌گیرد.

نکته مهم دیگری که در تحقیق فوق رخ نمود، این است که علی‌رغم برخی تصورات اشتباه، فضای نقد دین و نظرات گوناگون در دانشگاه نه‌تنها باعث رویگردانی افراد از نماز و نماز جماعت نشده است؛ تأثیر مثبتی هم بر آنان برای روی آوردن به نماز داشته است. چراکه جوانان در چنین فضاهایی می‌توانند آزادانه سؤالات و دغدغه‌های فکری خود را مطرح سازند و با توجه به میانگین بالاتر از متوسط، از دینداری استادان دانشگاه، مدعوین، مبلغان مذهبی سطح بالا یا متون در دسترس استفاده نموده و به پاسخ‌های مطلوب برسند. از این حیث، می‌توان به مدیران و دست‌اندرکاران امور فرهنگی دانشگاه‌ها، توجه داد که فضای نقد و پرسشگری (در قالب‌هایی مانند کرسی‌های آزاداندیشی و...)، نه تنها مخرب دینداری دانشجویان نیستند؛ بلکه افراد را نسبت به اعمال و انتخاب‌های خود آگاه‌تر، و به جلوه‌های دینداری (مانند نماز) علاقه‌مندتر می‌نماید.

— منابع —

- آزاده، صفا؛ آفاجانی، محمد (۱۳۹۹). بررسی اعتیاد به اینترنت با نگرش به التزام نسبت به نماز در دانشجویان: یک مطالعه مقطعی. *سبک زندگی با محوریت سلامت*، ۴(۴)، ص ۹-۱۵.
- اقبال، علی؛ عظیمی، محمد (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس نگرش و التزام عملی به نماز در دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان تبریز. *پژوهش در دین و سلامت*، ۸(۲)، ص ۹-۱۹.
- برشون، پیر (۱۳۹۵). *دینداری اروپاییان: تنوع و گرایش‌های مشترک*. در: *دانیل لژه، ژان ویلم و پیر برشون، دین در جوامع مدرن* (مقالاتی در جامعه‌شناسی دین)، ترجمه علیرضا خدابی. تهران: نشر نی، ص ۱۹۹-۲۳۰.
- شجاعی، احمد (۱۳۹۷). بررسی ارتباط نگرش و التزام عملی به نماز با میزان شادکامی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۸(۱)، ص ۸۹-۱۰۷.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۹). تفکر ابتدایی، دینداری و تحصیلات عالی. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳(۱)، ص ۱-۳۸.
- فیض‌اللهی، جلال؛ عسکری، سعید؛ خسروی‌پور، نوشین؛ حسینی، زهرا (۱۳۹۳). نماز و سبک‌های هویتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴(۱)، ص ۱۳۴-۱۴۸.
- کسل، فیلیژ (۱۳۸۳). *چکیده آثار آنتونی گیلندر*. ترجمه ح. چاوشیان. تهران: انتشارات ققنوس.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Trans. by H. Chavoshian. Stanford: Stanford University Press.
- Leuba, J. (1912). *The psychological study of religion: Its origin, function, and future*. New York: Macmillan.
- Leuba, J. (1916). *The belief in God and immortality: A psychological, anthropological, and statistical study*. Boston: Sherman, French.
- Leuba, J. (1934). Religious beliefs of American scientists. *Harper's Magazine*, p. 291-300.
- Mayrl, D. & Uecker, J.E. (2011). Higher Education and Religious Liberalization among Young Adults. *Social Forces*, 90(1), p.181-208.
- Pew. (2017). *In America, Does More Education Equal Less Religion?* Washington, D.C: Pew Research Center.
- Stark, R. & Finke, R. (2000). *Acts of faith: Explaining the Human side of religion*. M.R. Taleban (Trans.) Berkeley: University of California Press.
- Whitehead, A. (1948). *Science and the modern world*. New York: Pelican mentor book.